

متن پرسش

با سلام و ادب: چند وقت قبل شخصی را ملاقات کردم که توانایی داشت دست شکسته و تاندون پاره شده را، بدون مراجعه به دکتر شفا داد. از آنجا که خودم هم دچار کسالتی هستم به او گفتم می توانی به من هم کمک کنی؟ (البته من تا آن زمان نمی دانستم که مسلمان نیست. یعنی بوده ولی برگشته و الان هیچ دینی ندارد.) گفت تو مسلمانی و اعتقاد به امام زمان داری، برو بگو بهت شفا بده، اگر امام زمانی باشد (معتقد بود وجود امام زمان دروغ است). بی عرضگی را چگونه به رخم کشیده بود؟ زمینه شد تا دوباره عقایدم را بررسی کنم. چرا باید این طور بشود. عمری مثلا سعی در دوری از گناه سپری کردیم ولی نتوانستیم از سلامتی محافظت کنیم و یا وقتی رفت برگردانیم، آنوقت این آقا با تمرکز قوا، قدرت خودش را ظاهر کند و من و دینم را ریشخند کند! سراغ کتاب های اسلامی که می روی، خبری از اصل مطلب نیست. همه اش پراکندگی، یا بحث روی مبانی نظری. خودش را کشته که خدا یکی است. این را که قبول داریم دیگر، بعدش را بگو کتاب جایگاه جن تان را می خواندم، ص ۸۵ در پاسخ به سوالی نوشته بودید: مدبر آب وقتی آب حرارت ببیند آن را بالا می برد و عقول عرضه را توضیح داده بودید. خدا خیرتون بده، ای کاش کتابی هم در فلسفه می نوشتید و جاهایی که لازم است نه این مباحث عجیب و نقل اقوال پر ماجرا، و نتایج کاربردی آن را می آوردید. آن شاءالله این نحوه عرضه و معرفی دین سامان داشته باشد. نه توحید نه معاد. فقط یکسری علوم انباشته ی بی فایده.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این مورد فکر کنید که مگر جایگاه دین خدا در چنین جایگاههایی هست؟ در حالی که خداوند ما را خلق کرده تا از طریق شریعت الهی بتوانیم در ابعاد معنوی خود، جهت حضور در ابدیتی که در پیش است، وسعت یابیم و زندگی دنیاییمان طوری باشد که به معنی واقعی آن، زندگی حساب شود با آرامشی که هر انسانی نیاز دارد و تجربه نشان داده است با رعایت دستورات دین، دنیا و آخرت انسان معنای حقیقی خود را پیدا می کند. موفق باشید